

بِه نام خدا



فصل چہارم

راہِ زندگی



از همه مهربان تر





از همه مهربان تر

یک روز از مادرم پرسیدم: «دعا یعنی چه؟»
مادرم گفت: «دعا یعنی حرف زدن با خدا. در موقع دعا با خدا سخن می‌گوییم
و از او یاری می‌خواهیم.»

وقتی فهمیدم دعا یعنی چه، تصمیم گرفتم که من هم دعا کنم. چون خیلی کارها هست که باید از خدا بخواهم در انجام دادن آن‌ها مرا یاری کند. من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند. دعا می‌کنم پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های مهربان پیش ما باشند؛ چون بازی کردن و حرف زدن با آن‌ها را خیلی دوست دارم. روزی از مادرم پرسیدم:

«چرا همه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها را دوست دارند؟»

مادرم گفت: «چون آن‌ها بسیار مهربان هستند، همه را دوست دارند و به همه محبت می‌کنند.»




خدا کسانی را که به دیگران محبت و مهربانی کنند، دوست دارد.

خدایا، تو از همه مهربان تر هستی. من می‌دانم که تو انسان‌های مهربان را دوست داری. پس همیشه سعی می‌کنم با هم کلاسی هایم و حتی بچه‌های کوچک‌تر از خودم مهربان باشم تا تو مرا بیشتر دوست بداری!

درست و نادرست

۱. ما در دعا با خدا درد دل می‌کنیم.
۲. همه، آدم‌های مهربان را دوست دارند.
۳. ما فقط برای خودمان دعا می‌کنیم.

درست و نادرست

۱. ما در دعا با خدا درد دل می کنیم. 
۲. همه آدم های مهربان را دوست دارند. 
۳. ما فقط برای خودمان دعا می کنیم. 

گوش کن و بگو

۱. دعا یعنی چه؟

۲. چرا خدا را شکر می‌کنیم؟

۳. چه کارهایی می‌توانی انجام دهی تا خدا تو را بیشتر دوست داشته باشد؟

گوش کن و بگو

۱. دعا یعنی چه؟

دعا به سخن گفتن با خدا دعا می گویند.

۲. چرا خدا را شکر می کنیم؟

زیرا خدا مهربان است و به ما در زندگی کمک می کند و به خاطر همه لطف هایی که به ما دارد ما از خدا تشکر می کنیم.

۳. چه کارهایی می توانی انجام دهی تا خدا تو را بیشتر دوست داشته باشد؟

با انجام کارهای خوب و دوری کردن از کارهای بد، با محبت کردن به دیگران و مهربانی کردن.

«از همه مهربان تر»

آموختنی‌ها

- ۱ دعا کردن
- ۲ کمک کردن و محبت به دیگران مخصوصاً کوچک‌ترها
- ۳ صداهای مختلف نشاندی (ی) در کلمات
- ۴ آشنایی با مکان پدربری و مکان مادری



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

- دعا:
- خیلی:
- سخن:
- فهمید:

کلمات مخالف

- پرسیدم =
- حرف زدن =
- بیش‌تر =

- محبت:
- یاری:
- حاضر:
- موقع:

- سالم =
- هست =

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دعا:

خیلی:

سخن:

فهمید:

کلمات مخالف

پرسیدم ≠

حرف زدن ≠

بیش‌تر ≠

محبت:

یاری:

حاضر:

موقع:

سالم ≠

هست ≠

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دعا: حرف زدن با خدا

خیلی: زیاد

سخن: حرف

فهمید: متوجه شد

کلمات مخالف

پرسیدم ≠

حرف زدن ≠

بیش‌تر ≠

محبت: مهربانی

یاری: کمک

حاضر: آماده

موقع: زمان

سالم ≠

هست ≠

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دعا: حرف زدن با خدا.

خیلی: زیاد

سخن: حرف

فهمید: متوجه شد

کلمات مخالف

پرسیدم ≠ جواب دادم

حرف زدن ≠ سکوت کردن

بیش‌تر ≠ کم‌تر

محبت: مهربانی

یاری: کمک

حاضر: آماده

موقع: زمان

سالم ≠ مریض

هست ≠ نیست

صفحه ی ۶۴ کتاب فارسی علوی

کلمات هم معنی

درس هشتم

از همه مهربان تر



دوست بداری

فهمید

یاری

حرف زدن

محبت



یاری : کمک فهمید : متوجه شد

دوست بداری : دوست داشته باشی

محبت : مهربانی

حرف زدن : سخن گفتن

کلمات مخالف

درس هشتم

از همه مهربان تر



روز

کوچک تر

مهربان

بیشتر

سالم

دوست

روز ≠ شب

مهربان ≠ نا مهربان
کوچک تر ≠ بزرگ تر

بیشتر ≠ کمتر

سالم ≠ نا سالم

دوست ≠ دشمن

واژه سازی درس هشتم فارسی

از همه مهربان تر



صفحه ی ۵۲ کتاب فارسی



پدر بزرگ
مادر بزرگ
پدر بزرگ
مادر بزرگ

پدر
مادر

بستگان



پسر عمه }
دختر عمه } عمه

پسر عمو }
دختر عمو } عمو

پسر دایی }
دختر دایی } دایی

پسر خاله }
دختر خاله } خاله

پیاموز و بگو هشتم فارسی

از همه مهربان تر

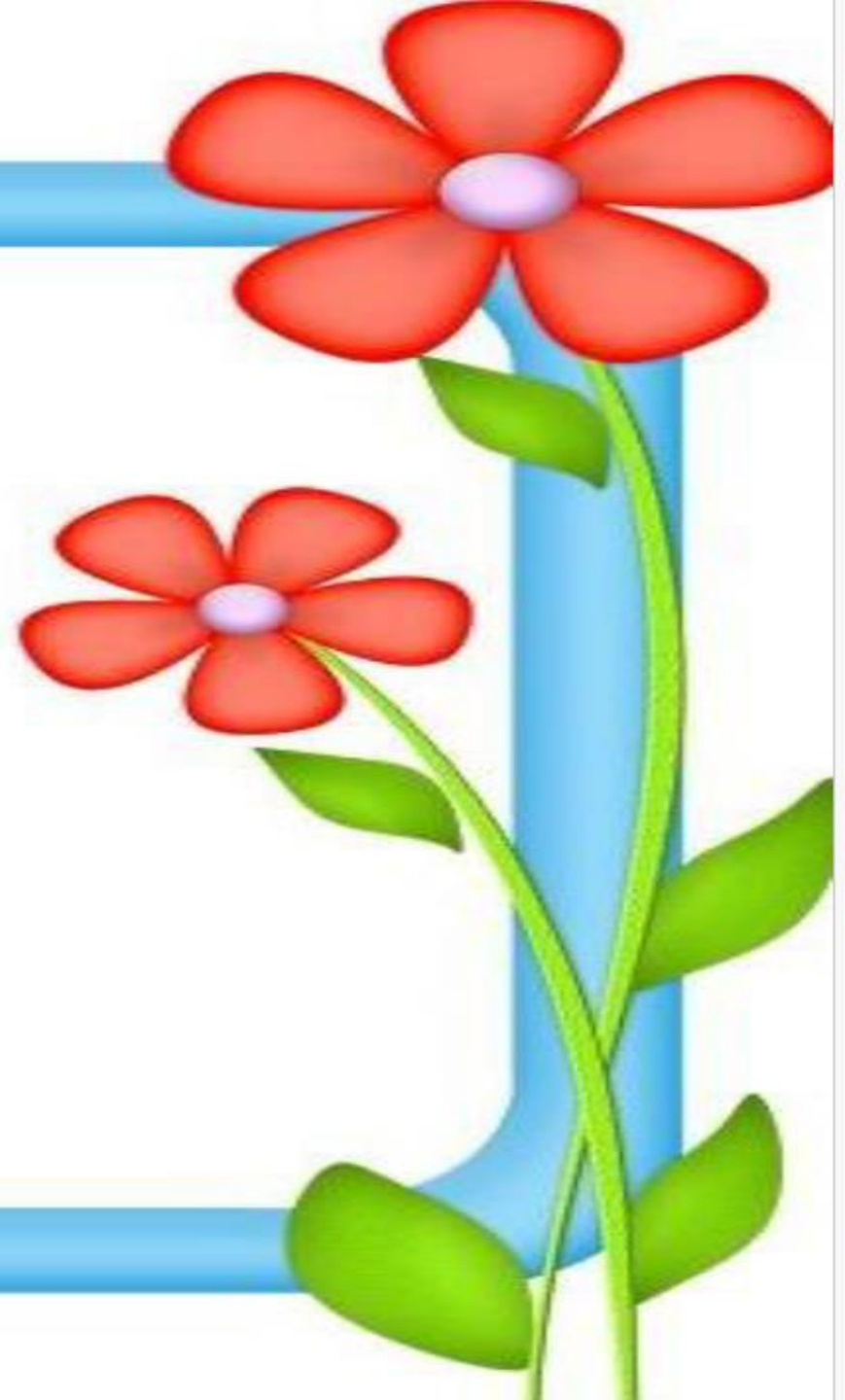


صفحه ی ۵۳ کتاب فارسی

ساری

چای

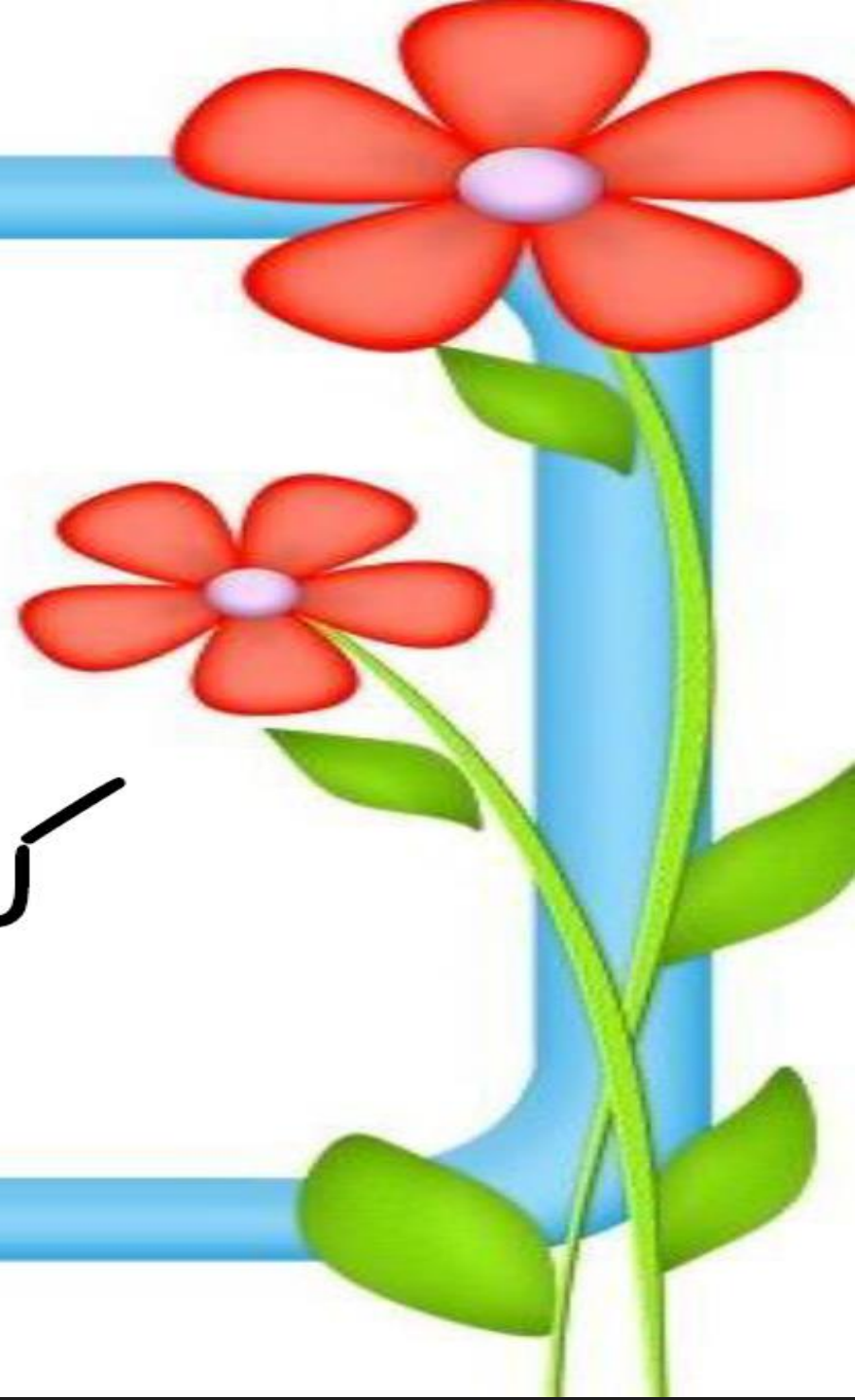
موسی



بازی

برای

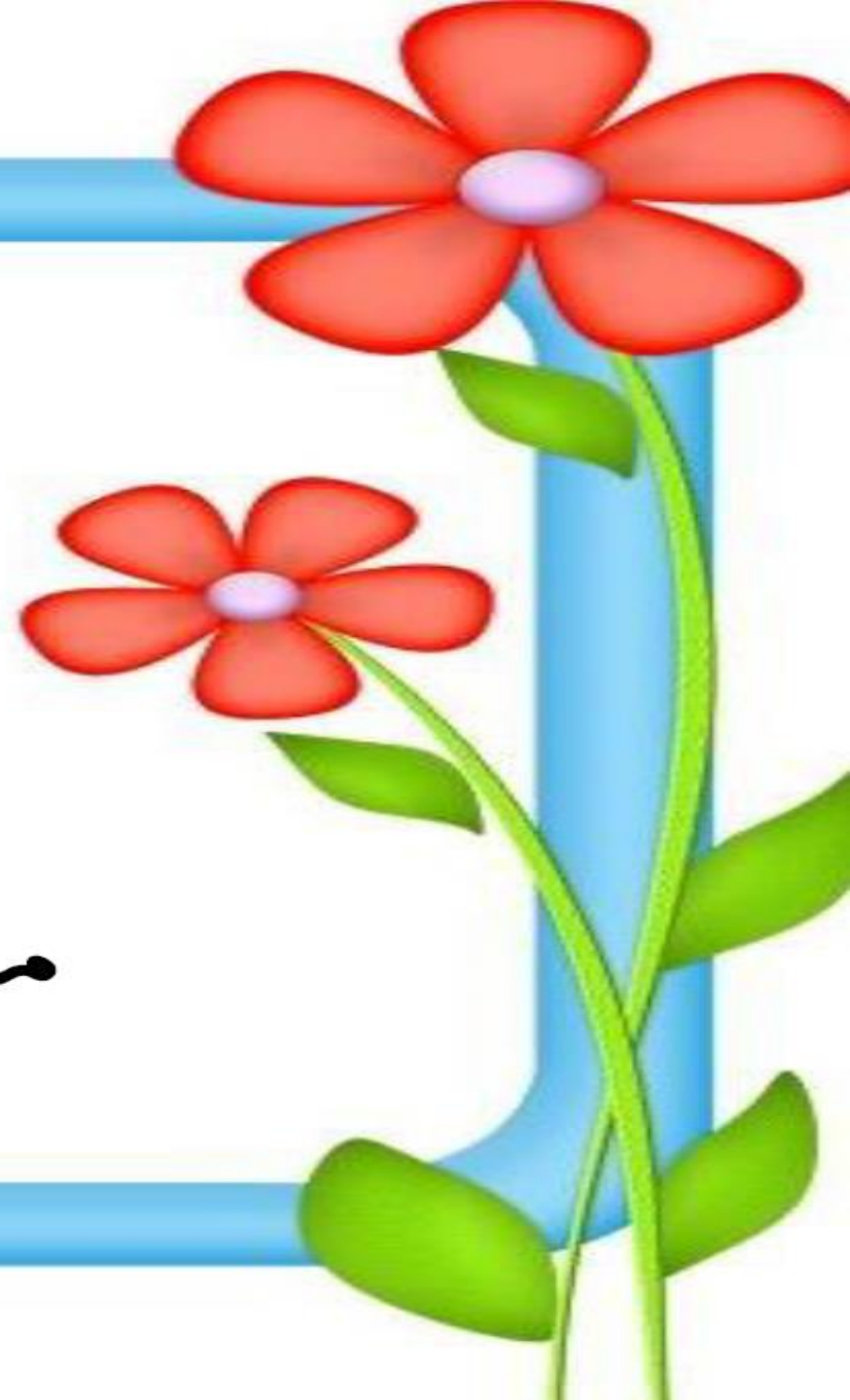
کبیری



سینہ

رأی

مصطفیٰ



نشانه ی (ی) صداهاى متفاوتى دارد.

در بعضى کلمات صدای (ای) مى دهد.

سارى - جارى - بازى

در بعضى کلمات صدای (ی) مى دهد.

چای - رأی - برای

در بعضى کلمات صدای (آ) مى دهد.

کبرى - صغرى - موسى





پیداکن و بگو

۱. کلمه‌هایی را که «ع مع ع» دارند.
۲. جمله‌ای که علامت «!» دارد.
۳.



بازی و نمایش (بدون کلام یا پانتومیم)

- چند نفر از دانش‌آموزان، هر یک از موارد زیر را به صورت نمایش بی کلام نشان دهند و سایر دانش‌آموزان موضوع نمایش را حدس بزنند.
- چند پرنده که آب و دانه می‌خورند و از خدا تشکر می‌کنند.
- کودکی در حال دعا.
- پیرزن یا پیرمردی در حال دعا.



۱. کلمه هایی را که «ع ع ع ع» دارند.
۲. جمله ای که علامت «!» دارد.
۳.



۱. کلمه هایی را که «ع ع ع ع» دارند.
۲. جمله ای که علامت «!» دارد.
۳.

۱. دعا- موقع- یعنی.
۲. تا تو مرا بیشتر دوست بداری!



بخوان و حفظ کن



مثل یک رنگین کمان

شاپرک آمد کنارِ بخره
روی شیشه، مثل برگِ دیده شد
دست بردم تا بگیرم، او پرید
برگی انگار از درختی چیده شد
شاپرک باز آمد و آنجا نشست
بال رنگارنگِ خود را باز کرد
آفتابِ مهربان چون مادری
بال‌های نازکش را ناز کرد
پشتِ شیشه، آفتابِ مهربان
می‌درخشید از میانِ آسمان
دیده می‌شد بال‌های شاپرک
روی شیشه مثل یک رنگین کمان

جعفر ابراهیمی «شاهد»



همکاری

حضرت محمد (ص) و یارانش از شهری به شهر دیگری می‌رفتند. در راه خسته شدند. ایستادند تا کمی استراحت کنند و غذایی بخورند.

یکی از یاران گفت: «من حاضریم که غذا درست کنم.»

دیگری گفت: «من هم آب می‌آورم.»

به این ترتیب، هر یک از یاران، انجام کاری را پذیرفتند.

حضرت محمد (ص) فرمودند: «من هم هیزم جمع می‌کنم و می‌آورم.»

همراهان گفتند: «شما استراحت کنید.»

ولی حضرت محمد (ص) نپذیرفتند و گفتند: «من هم مثل یکی از شما هستم، در سفر همه باید همکاری کنیم.»

* به نظر شما چرا پیامبر (ص) پیشنهاد دوستانشان را نپذیرفتند؟

یعنی حرف زدن با خدا.

من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه باشند.
خدایا تو از همه هستی.

کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

مینا جلوی آینه (نشسته بود، نشانده بود) و چشم‌هایش را (بسته بود، بسته بودم). مادرش از او (پرسید، می‌پرسد): «چرا چشم‌هایت را (بسته‌ای، بسته بوده‌ای)؟» مینا (می‌گفت، گفت، گفته بود): «می‌خواستم (ببینم، دیده بودم، می‌بینم) وقتی (می‌خوابم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام) چه شکلی (می‌شوم، بشوم، شوم).»

با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

◆ مهربان:

◆ دعا:

◆ دوست:

◆ خدا:



دعا یعنی حرف زدن با خدا.
 من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند.
 خدایا تو از همه مهربان تر هستی.

کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

مینا جلوی آینه (نشسته بود، نشانده بود) و چشم‌هایش را (بسته بود، بسته بودم). مادرش از او (پرسید، می‌پرسد): «چرا چشم‌هایت را (بسته‌ای، بسته بوده‌ای)؟» مینا (می‌گفت، گفت)، گفته بود: «می‌خواستم (ببینم، دیده بودم، می‌بینم) وقتی (می‌خواهم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام) چه شکلی (می‌شوم، بشوم، شوم).»

با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

- ◆ مهربان: خداوند بسیار مهربان و بخشنده است.
- ◆ دعا: من برای شفای بیماران دعا می‌کنم.
- ◆ دوست: من پدر بزرگ و مادر بزرگم را دوست دارم.
- ◆ خدا: خدا بهترین دوست ما است.

۲ چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ‌یک از حرف‌های آن به هم نچسبیده باشد.

مثال: دوم

۳ از روی کلمه‌های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

حتی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی

۴ اگر بخواهی با پدر و مادرت به مسافرت بروی، چه کارهایی باید انجام دهی؟

الف)

ب)

پ)

صفحه ی ۵۵ کتاب نگارش



۲ چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ‌یک از حرف‌های آن به هم نچسبیده باشد.

مثال: دوم روز او دادن دارد

۳ از روی کلمه‌های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

حتی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی

بار اول <<<

بار دوم <<<

۴ اگر بخواهی با پدر و مادرت به مسافرت بروی، چه کارهایی باید انجام دهی؟

(الف) وسایل شخصی خود را جمع می‌کنم.

(ب) در بستن چمدان به پدر و مادرم کمک می‌کنم. صفحه ی ۵۵ کتاب نگارش

(پ) سعی می‌کنم به حرف بزرگ ترها گوش دهم و بچه خوبی باشم.



جمله‌ها را کامل کن.

۲

الف) من دعا می‌کنم

ب) در موقع دعا

پ) من همیشه سعی می‌کنم

با توجه به شکل پایانی کلمه‌ها آن‌ها را دسته‌بندی کن.

۳

کبری - قوری - مجتبی

ساری - عیسی - مرتضی

هدی - بازی - گلی

صدای

«ای»

صدای

«آ»

بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می‌کنی.

۴



صفحه ی ۵۶ کتاب نگارش



جمله‌ها را کامل کن.

۲

الف) من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سالم باشند.

ب) در موقع دعا با خدا سخن می‌گوییم و از او یاری می‌خواهیم.

پ) من همیشه سعی می‌کنم با هم کلاسی‌هایم و حتی بچه‌های کوچک‌تر از خودم مهربان باشم تا تو مرا بیشتر دوست بداری.

با توجه به شکل پایانی کلمه‌ها آن‌ها را دسته‌بندی کن.

۳

کبری - قوری - مجتبی

ساری - عیسی - مرتضی

هدی - بازی - گلی

صدای

«ای»

صدای

«آ»

قوری - ساری - بازی - گلی

کبری - مجتبی - عیسی - مرتضی - هدی

بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می‌کنی.

۴

سعی می‌کنم با کسی دوست شوم که همه درباره او حرف‌های خوب

بزنند و فردی با ادب، درس‌خوان باشد.

صفحه ی ۵۶ کتاب نگارش



۲

کلمه های هم معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

.....

.....

.....

.....

.....

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -
 تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

۳

طبقه بندی کن.

عمو - پسردایی - خاله - دخترعمو - پسرعمه - دخترخاله - دایی - عمه - پسرعمو

..... بستگان پدر:

..... بستگان مادر:

۴

داستان زیر را کامل کن.

گنجشک کوچولو روی شاخه ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت

صفحه ی ۵۷ کتاب نگارش



۲

کلمه‌های هم‌معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -
تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

حرف = صحبت یاری = کمک
سعی = تلاش مهربانی = محبت
موقع = وقت زیاد = خیلی

۳

طبقه‌بندی کن.

عمو - پسردایی - خاله - دخترعمو - پسرعمه - دخترخاله - دایی - عمه - پسرعمو

بستگان پدر: عمو - دخترعمو - پسرعمه - عمه - پسرعمو

بستگان مادر: پسر دایی - خاله - دخترخاله - دایی

۴

داستان زیر را کامل کن.

گنجشک کوچولو روی شاخه‌ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می‌کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت دوست جدیدی برای خودش پیدا کند

صفحه ی ۵۷ کتاب نگارش

برای همین پرواز کرد و رفت پیش پدر و مادرش تا او را راهنمایی بکنند.



نوشته‌ی زیر را پر رنگ کن و زیبا بنویس.

۱

ماه مهربان من، مهر آسمان من، نور دیدگان من، گل بگو و گل بشنو

تصویر زیر را رنگ بزن و هرچه دوست داری، درباره‌ی آن بنویس.

۲



صفحه‌ی ۵۸ کتاب نگارش



نوشته‌ی زیر را پررنگ کن و زیبا بنویس.

۱

ماه مهربان من، مهر آسمان من، نور دیدگان من، گل بگو و گل بشنو

تصویر زیر را رنگ بزن و هرچه دوست داری، درباره‌ی آن بنویس.

۲



آزاده و امین بچه‌های مهربانی هستند، آن‌ها همیشه به پرنده‌ها دانه می‌ریزند تا گرسنه نمانند.

صفحه‌ی ۵۸ کتاب نگارش



الف: کلمه‌های زیر را به ترتیب حروف الفبا با خط خوش در پایین صفحه بنویس.





الف: کلمه‌های زیر را به ترتیب حروف الفبا با خط خوش در پایین صفحه بنویس.



خاطر	چیزهای	بداری	بچه‌های
دعا	داده	خودم	خدایا
سعی	سخن	دیگران	دوست
موقع	محبت	کوچک‌تر	شکر
	همیشه	هم‌کلاسی‌هایم	مهربانی



ب: برای هر یک از کلمات خواسته شده، سه نمونه از متن درس پیدا کن و بنویس.



فارسی دوم دبستان



ب: برای هر یک از کلمات خواسته شده، سه نمونه از متن درس پیدا کن و بنویس.

حتی

سخن

موقع



دو نقطه‌ای

پرسیدم

پدربزرگ

همیشه



پنج نقطه‌ای

سعی

همه

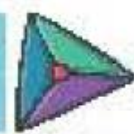
دعا



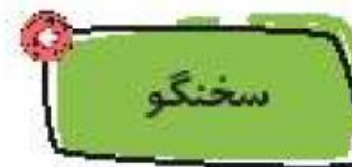
بی نقطه

فارسی دوم دبستان





۱ کلمه‌های مرتبط را به هم وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



۲ درستی و نادرستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: فقط برای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها باید دعا کنیم.

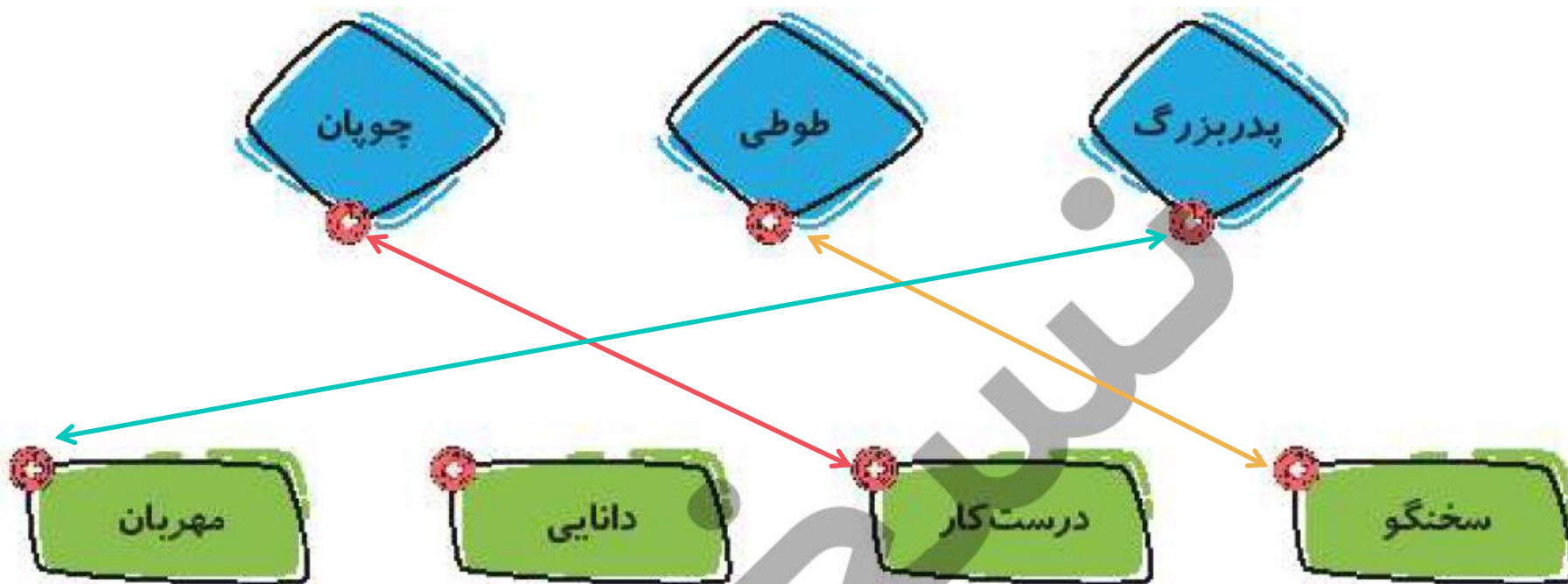
ب: همه باید با یکدیگر مهربان باشند.

پ: پدرم گفت: دعا یعنی حرف زدن با خدا.

تمرین



۱ کلمه‌های مرتبط را به هم وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: فقط برای پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها باید دعا کنیم. X

ب: همه باید با یکدیگر مهربان باشند. ✓

پ: پدرم گفت: دعا یعنی حرف زدن با خدا. X

۲ با توجه به درس، در جای خالی کلمات مناسب بنویس.

الف: دعا یعنی با خدا.

ب: خدا کسانی که به دیگران و مهربانی می کنند را دوست دارد.

پ: خدایا تو از همه هستی.

۴ به جای کلمه ی داخل کمانک، کلمه ی مناسب بنویس.

ما در (موقع) دعا با خدا سخن می گوئیم و از او (یاری) می خواهیم. من دعا

می کنم پدر و مادرم همیشه (سالم) باشند.

۵ مانند نمونه، کلمات را دسته بندی کن.



هدی	شانه ی	گاهی
.....
.....
.....

صفحه ی ۶۷ کتاب فارسی علوی



۲ با توجه به درس، در جای خالی کلمات مناسب بنویس.

الف: دعا یعنی **حرف زدن**.. با خدا.

ب: خدا کسانی که به دیگران **محبت** و مهربانی می کنند را دوست دارد.

پ: خدایا تو از همه **مهربان تر** هستی.

۴ به جای کلمه ی داخل کمانک، کلمه ی مناسب بنویس.

ما در (موقع) **زمان** دعا با خدا سخن می گوئیم و از او (یاری) **کمک** می خواهیم. من دعا

می کنم پدر و مادرم همیشه (سالم) **تندرست** باشند.

۵ مانند نمونه، کلمات را دسته بندی کن.



هدی	شانه ی	گاهی
..... حتی صدای زیادی
..... عیسی گل های آبی
..... یحیی قصه های کجایی

صفحه ی ۶۷ کتاب فارسی علوی





.....

.....

.....

تابه حال دعا کرده‌ای؟

.....

برای چه کسانی؟

.....



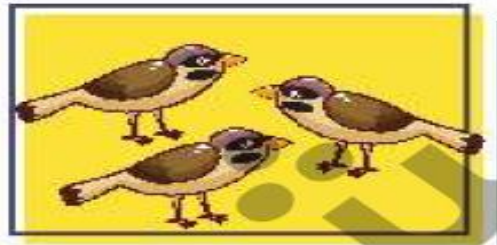
این دختر دارد دعا می‌کند.
 او از نعمت‌های که خدا برایش داده است تشکر
 می‌کند.

تا به حال دعا کرده‌ای؟

بله

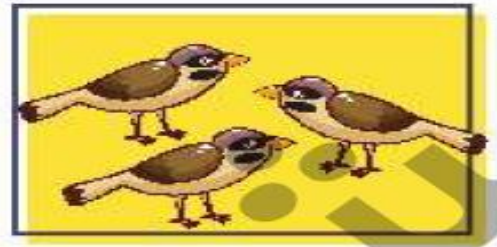
برای چه کسانی؟

پدر و مادرم



A large rectangular area with a light pink background, containing several horizontal dashed lines for writing.





مادر بزرگ همیشه برای سلامتی همه ی مردم دعا می کند.
او بعد از دعا کردن به گنجشک ها آب و دانه می دهد تا گرسنه نمانند.
مادر بزرگ خیلی مهربان است و همه او را بسیار دوست دارند.



با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: صدای نشانه‌ی «ی» در پایان کدام کلمه، مانند واژه‌ی «صغری» است؟

- (۱) شادی (۲) یعنی (۳) هدی (۴) یاری

ب: به کدام گزینه می‌توان «ها» اضافه کرد؟

- (۱) دست (۲) پایین (۳) دو (۴) خوشحال

پ: نشانه‌ی «ی» در پایان چند کلمه، صدای «آ» نمی‌دهد؟

صورتی - یحیی - کبری - دوستی - مهدی - سعی - مصطفی

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

ت: جاهای خالی شعر زیر با کدام کلمه‌ها، کامل می‌شوند؟

«..... باز آمد و آنجا نشست
بال خود را باز کرد»

- (۱) شاپرک - نازک (۲) شاپرک - رنگارنگ (۳) آفتاب - رنگارنگ (۴) آفتاب - زیبای

ث: در متن زیر چند غلط املايي وجود دارد؟

یکی از یاران گفت: «من حائظرم قذا دورست کم.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

ج: چند تا از کلمه‌های زیر، نام بستگان پدری است؟

«دختردایی، پسرخاله، دخترعمو، دایی، عمه، دخترخاله، پسرعمه»

- (۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه

با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: صدای نشانه‌ی «ی» در پایان کدام کلمه، مانند واژه‌ی «صغری» است؟

(۱) شادی (۲) یعنی (۳) هدی (۴) یاری

ب: به کدام گزینه می‌توان «ها» اضافه کرد؟

(۱) دست (۲) پایین (۳) دو (۴) خوشحال

پ: نشانه‌ی «ی» در پایان چند کلمه، صدای «آ» نمی‌دهد؟

صورتی - یحیی - کبری - دوستی - مهدی - سعی - مصطفی

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

ت: جاهای خالی شعر زیر با کدام کلمه‌ها، کامل می‌شوند؟

«..... باز آمد و آنجا نشست بال خود را باز کرد»

(۱) شاپرک - نازک (۲) شاپرک - رنگارنگ (۳) آفتاب - رنگارنگ (۴) آفتاب - زیبای

ث: در متن زیر چند غلط املايي وجود دارد؟

یکی از یاران گفت: «من حاضرم قذا دورست کم.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

ج: چند تا از کلمه‌های زیر، نام بستگان پدری است؟

«دختر دایی، پسر خاله، دختر عمو، دایی، عمه، دختر خاله، پسر عمه»

(۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه

حاضر - غذا - درست



زن و مردی کنار هم نشسته بودند. ناگهان صدایی از پشت‌بام شنیدند. صدای دو مرد بود که می‌خواستند از خانه‌ی آن‌ها دزدی کنند و منتظر بودند که مرد و زن بخوابند. مرد خانه که فهمید جریان چیست، نقشه‌ای کشید. پس به زنش گفت: «با صدای بلند از من پرس، این همه پول را از کجا آورده‌ای؟» زن پرسید: «این همه پول را از کجا آورده‌ای؟» مرد که می‌خواست دزدها این حرف‌ها را بشنوند، با صدای بلندتر پاسخ داد: «من وقتی می‌خواهم از خانه‌ی دزدی کنم، سه بار می‌گویم «شولم شولم» و نامرئی می‌شوم. آن وقت کسی نمی‌تواند مرا ببیند. سپس، می‌روم و همه‌ی پول‌ها را برمی‌دارم.» دزدها این صحبت‌ها را شنیدند. زن و مرد خود را به خواب زدند. دزدها سه بار گفتند: «شولم شولم - شولم شولم - شولم شولم» و فکر کردند که نامرئی شده‌اند. پس داخل خانه شدند و مرد و زن با چوب شروع به کتک زدن آن‌ها کردند. زن خانه فریاد زد: «دزد، دزد»، همسایه‌ها هم به کمک آن‌ها آمدند و دزدها را نزد قاضی بردند.

الف: چند مرد برای دزدی آمده بودند؟

ب: چرا مرد به زنش گفت: «با صدای بلند از من پرس، این همه پول را از کجا آورده‌ای؟»

پ: چرا دزدها بعد از گفتن «شولم شولم، نامرئی نشدند؟»

ت: اگر دزدها نمی‌شنیدند که مرد چه می‌گوید، چه اتفاقی می‌افتاد؟

فارسی دوم دبستان



الف: چند مرد برای دزدی آمده بودند؟

دو مرد

ب: چرا مرد به زنش گفت: «با صدای بلند از من پرس، این همه پول را از کجا آورده‌ای؟»

می خواست دزد ها این حرف ها را بشنوند.

پ: چرا دزدها بعد از گفتن «شولم شولم، نامرئی نشدند؟»

چون این حرف ها واقعی نبود.

ت: اگر دزدها نمی‌شنیدند که مرد چه می‌گوید، چه اتفاقی می‌افتاد؟

آن وقت مرد نمی‌توانست آن ها را بگیرد.

فارسی دوم دبستان

